

## آیا تعدد زوجات ظلم و جفا در حق زن مسلمان شمرده نمیشود؟

دین اسلام که بر اساس عدالت و مساوات استوار میباشد، نتنها که تعدد زوجات با عدالت برابر نیست بلکه جفا بزرگ در حق زن مسلمان نیز به حساب میاید، و خداوند تعالی در سوره بقره خطاب به کسانی که در حق زنان ظلم میکنند میفرماید، از آنهایکه در حق زنان جفا میکنند انتقام خواهد کشید.

تعدد زوجیات خود نیز خلاف عدالت و قانون خداوندی میباشد و خداوند از همان آغاز خلقت نظام و تشکیل خانواده را از یک مرد و یک زن قانون گذاشت، تا توازن نفوس از هر دو جنس و عدالت در میان آنها برقرار باشد. خداوند تعالی از اینکه احکام الهی به کجی به مردم رسانیده شود، از آنها در روز قیامت سوال خواهد شد. هرگاه به معانی دقیق آیات درین مورد دقت گردد، مرد مسلمان با ایمان دلش از ترس خداوند و روز جزا به لرزه می افتد. البته تعدد زوجیات خود پیغمبر ص بعد از ازدواج با حضرت عایشه رض که بعد از وفات حضرت خدیجه رض صورت گرفت در شرایط آنزمان اکثراً با زنان مسن (نازا) و بی سرنوشت بود و نه بخاطر غریاض نفس، که در مورد آن بیشتر خواهیم پرداخت. خداوند تعالی بخاطر هوای نفس مرد مسلمان هرکه باشد زندگی زن مظلوم اولی (سیاه بخت) و زن دومی (سفید بخت) را به تلخی و سیاه روزی نمیکشاند، چون خداوند این جفا را در حق بنده گانش دوست ندارد.

آیات در ارتباط ازدواج (الی چهار زن) در قران به مردان ظالمی اشاره گردیده است که در حق دختران یتیم ظلم نموده و به هر تعداد که خواسته بودند حتی ده و دوازده و یا هم بیشتر دختران خوش صورت یتیم را در قید ازدواج خود در آورده و آنانیکه از صورت زیبا برخوردار نبودند به حیث کنیز نزد خود نگهداشتند تا از میراث آنها استفاده نموده، و همچنان مهریه برایشان تعیین نمیکردند. خداوند تعالی در سوره نساء چنین میفرماید:

"در موقع عقد دختران یتیم اگر بترسید از اینکه در حق آنها بعدالت رفتار نکنید و در اموال آنها تصرف کرده مهریه شانرا نرسانید، در اینصورت آنها را نکاح نکنید، غیر آن زنان که خود دیده اید، دو یا سه و چهار بگیرید، اگر بترسید از اینکه نتوانید بین زنان بعدالت رفتار کنید، در آنصورت (یک زن) بگیرید، و بیشتر از یک زن جایز نیست. (یک زن) پاکیزه گرفتن بهتر و مناسب تر است، تا از حق منحرف نشده و به زنان ظلم نکنید."

مردان مؤمن و خدا شناس از ترس روز باز پرس (قیامت) هرگز به چنین اقدامی (تعدد زوجیات) مبادرت نمی ورزند، زیرا خداوند تعالی چندین مراتبه درین آیت اشاره به رعایت از عدالت و گرفتن به یک زن تاکید نموده است، زیرا تطبیق عدالت در میان دو زن کاریست مشکل که حتی پیغمبران از تطبیق آن عاجز بوده اند، البته مثالهای درین رابطه ارایه خواهد گردید. باید اولتر از خود پرسید که آیا خداوند تعالی در ادیان دیگر (آسمانی) نیز مردان را به گرفتن تعدد زوجیات امر فرموده است و یا اینکه صرفاً لطف خداوند در حق مردان مسلمان بوده است؟

غریبان که انگشت انتقاد در مورد تعدد زوجیات به اسلام میگذارند، البته اکثر مسلمانان دلایل که جز برای خود آنها برای دیگران قابل قبول نیست جواب ارایه داشته و اظهار میدارند که چون نفوس زن در جهان نسبت به مرد بیشتر و یا مردان در جنگ ها زیاد کشته میشوند و غیره، در حالیکه مرگ زنان حامله در همین کشور های اسلامی و جهان سوم نیز بیشتر بوده که در هر دقیقه یک زن در موقع وضع عمل چشم از جهان میپوشد.

تحقیقات در مورد (ده موضوع مهم) به کتاب که در سال ۲۰۰۰ به زبان انگلیسی معلومات عمومی صورت گرفت، آمده است که تعداد مرد و زن در جهان باهم مساوی میباشد، یعنی هرگاه در یک کشور تعداد زنان روی دلایلی نسبت به مرد بیشتر باشد، حتما در یک سرزمین دیگری تعداد مردانش نسبت به زنان بیشتر بوده که به همین ترتیب تعداد زن و مرد در جهان تا سال ۲۰۰۰ باهم مساوی قرار داشتند.

یکی از واعظین جوان در برنامه دینی برای توجیه (تعدد زوجیات) در اسلام و ضرورت آن چنین بیان داشت، ازاینکه تعداد زنها در جهان زیادتیر میباشد به زنان بدون شوهر در شهر نیویارک اشاره نموده گفت: تعداد این زنها به شش ملیون میرسد و علاوه نمود که اگر قانون (تعدد زوجیات) درین ایالت مورد اجرا قرار میگرفت، اکثر آنها از مصیبت بی شوهری نجات پیدا مینمودند... متأسفانه به مردان شهر نیویارک که زنان بدون شوهر را مانند قوم لوطها کرده و بجای آنها با همجنس خود مرد ها زندگی میکردند اشاره نشد، تا گلیم این مصیبت بزرگ از جهان کاملاً جمع میگردد.

در بعضی تفاسیر در مورد ازدواج پیغمبران که به تعداد زیاد زن میگرفتند، مثال از داوود ع میدهند که نود ونه زن داشت، البته در قران از آن تعداد زنان بصورت واضح یاد نگردیده است، اگر چنین میبود که به باور عقل دور به نظر میرسد، در آنصورت بی عدالتی پیغمبر را در حق زناش نشان میداد که ممکن چنین چیزی نبوده باشد.

هرگاه به اصل داستان مراجعه گردد، خداوند تعالی داوود پیغمبر را در حکایت از دو برادر (۹۹ گوسفند و یک گوسفند) مورد امتحان قرارداد، تا متوجه عدالت شده به فکر زن دیگری که حق خودش نیست نباشد، اما مفسیرین مراد از 99 گوسفند را اشاره به تعداد زنان داوود پیغمبر تفسیر نموده اند که مشکل است انسان آنرا بپذیرد که در خود قرآن بصورت واضح نیامده باشد.

اگر خداوند تعالی پیغمبران را دست آزاد به تعدد زوجیات آنهم به این تعداد (۹۹) قرار میداد از همان آغاز در خلقت یک مرد و یک زن نمی آفرید، در حالیکه در قسمت آخر آیات متذکره (یک زن) گرفتن را صواب دید حال مرد دانسته میفرماید: "تا از حق منحرف نشده و به زنان ظلم نکنید" یعنی خداوند تعالی طرفدار تعدد زوجیات نبوده و یک زن را مناسب تر و پسندیده تر میدانند تا جفا در حق زن صورت نگیرد. اما افسوس که علما و واعظین صرف به همان بخش از آیات اکتفاء نموده اند که مردان را خوش و راضی نگهدارند..

اگر رضای خداوند در تعدد زوجیات میبود، از همان آغاز خلقت بجای یک مرد و یک زن، یک مرد و چهار زن میآفرید.. تعدد زوجیات بر زنان مظلوم صدمات شدید روانی وارد نموده، بالای زندگانی شان فوق العاده تأثیرات منفی بجا میگذارد. متأسفانه داستانهایی بسیار درد آور از زنان که تحت این ستم بنام شریعت و دین اسلام قربانی هوس بازیهای مردان ظالم گردیده اند بسیار است که نمیتوان با چند سطر آنرا خلاصه نمود. زیرا هیچ زن در جهان حاضر نیست تا تحمل زن دیگری را در کنار شوهر خود داشته باشد.

درین مورد ولتر دانشمند مشهور در کتابش چنین گفته است: قلب مهربان زن میتواند هر نوع گناه مردش را ببخشد، مگر هرگز حاضر نیست تا زن دیگری را در کنار شوهر خود ببیند و این گناه بزرگ مرد را هرگز نخواهد بخشید. برای اثبات این مطلب به زندگی پیغمبران برمیگردیم:

حضرت ابراهیم و سارا زنش به سن پیری رسیده بودند، با وجود آنکه تا آنزمان طفل نداشتند، ابراهیم ع هرگز نظر به قانون خداوند زن دیگر نگرفت و خداوند تعالی هم برایم دستور نداده بود تا به زن اولش سارا جفا کند و زن دوم بگیرد. اما زمانیکه سارا زنش خود به وی پیشنهاد نمود تا با هاجره که در خدمتش قرار داشت ازدواج نماید تا از ثمره ازدواج صاحب فرزندی شوند..

ابراهیم ع که پیغمبر و دوست خداوند حساب میشد، با آنهم نتوانست عدالت را در میان دو زن سارا و هاجره مراعات نماید، و بیشتر نزد هاجره به دیدن فرزند و مادرش میرفت چون محبت فرزند وی را به آنسو میکشاند، تا اینکه این عمل سبب حسودی سارا گردیده سر نا سازگاری را با هاجره و فرزندش گرفت و این حالت سبب گردید تا مادر و پسر به فرسنگها دور به سرزمین مکه مهاجر گردند و ابراهیم ع در فلسطین با سارا باقی بماند که گاهی به دیدن آنها میرفت. از ابراهیم ع مسلمان تر در دنیا که پدر اسلام یاد شده است چه کسی عدالت را خواهد توانست در میان دو زن مراعات کند، چه رسد به سه و چهار زن که نزد خداوند تعالی امتحان سخت تر ازین خواهد بود.

در صورت رضایت زن اول، مرد نباید زن را به زور و جبر و ادا سازد تا راضی شود. خداوند تعالی در این نوع امتحانات بندگان خود را سخت مورد آزمایش قرار میدهد، حتی پیغمبرانش را که در برابر دو موجود عدالت را برقرار ساخته نتوانستند، آنها را راحت و آرام نگذاشت. متأسفانه تعدد زوجیات در اکثر کشورهای اسلامی روی غریاض نفسی و ثروت زیاد بنام حق شرعی مرد صورت میگیرد که جز بدبختی برای نظام های خانواده چیزی دیگری ببار نمی آورد. مردان غریب حتی قدرت گرفتن یک زن را هم ندارند، البته حکم قرآنی چنین است تا ثروتمندان مقدار پول برای کسانی که توان مخارج ازدواج را ندارند تهیه نمایند تا آنها به ازدواج سالم رو آورده و از فساد جلوگیری شود. به یکی دیگر از قصص زندگانی پیغمبران می پردازیم:

در مورد ذکریا ع آمده است: با وجود که هر دو (زن و شوهر) به سن پیری رسیده بودند، آن پیغمبر از خداوند تعالی خواهش فرزند را نمود. خداوند تعالی وی را به فرزندی بنام یحیی ع بشارت داد، ذکریا ع گفت: پروردگارا چگونه مرا فرزندی خواهد بود در صورتیکه زخم نازا میباشد، البته خداوند تعالی علامتی برایش قرار داد، تا خاطرش آرام گیرد، اما برایش هدایت فرمود تا ازدواج تازه و زن جوان بگیرد. بلکه از همان زن نازایش طفل پسر نصیب شان گردانید. خداوند تعالی از بندگان می خواهد تا به آیات قرآن زیاد تفکر و تعمق داشته باشند تا آیات را که برایشان روشن نباشد، با مثالها از زندگانی پیغمبران به مطالب و معانی قرآن بیشتر آگاهی حاصل نمایند.

مثال دیگری از آل یعقوب پیغمبر درینجا متذکر میشویم:

در مورد یعقوب ع که در میان زنان (دو خواهر) یوسف پیغمبر و مادرش را زیاتر از زن اولش دوست میداشت، حتی پیغمبران اگر عدالت را آنچنان که باید نتوانند رعایت کنند خداوند تعالی بنده را به آرزو و خواست شان نمیرساند، داغ محبت مادر یوسف که در سن جوانی وفات نمود در قلب پیغمبر باقی ماند همچنان فراق یوسف فرزندش سبب کوری چشمانش گردید.. داستان زندگی یوسف پیغمبر و برادرانش که چگونه محبت زیاد به یک زن و فرزند سبب حسادت دیگر برادران میگردد، باید مردم بیخبر از قرآن از خواب غفلت بیدار شوند و حقیقت اصل اسلام را درک نموده، به خاطر هوای نفس دنبال تعدد زوجیات نروند، که این بزرگترین گناه است و از قهر خداوند باید ترسید یعنی قلب نازک

یک بنده معصوم خدا (زن) را نباید شکستاند. که فریاد درونی و درد سوزنده آنها را خداوند میداند چون به مردان خطاب میکند انتقام آنها را از ظالم میکشم.

البته زنان که به اختیار خود با ازدواج مرد زنده توافقی میکنند زندگی یک زن همجنس خود را خراب میسازند درین گناه نیز شامل بوده از انتقام خداوند در برابر زن مظلوم خلاص نمیشاندند..

درینجا از تعدد زوجیات حضرت محمد مصطفی ص مثال میاوریم.

تعدد زوجیات رسول خدا را اگر با روشنایی عقل بنگریم، پیغمبر خدا بعد از سن پنجاه سالگی ازدواج های شان روی علت های خاص زمان صورت گرفته است و نه بخاطر قانون خاص یا هوس و عشق پیری و یا هم برای داشتن فرزندان پسر که در میان قوم عرب زیاد رایج بود. زنان که با پیغمبر ص ازدواج مینمودند بیوه، مسن (نازا) بوده و اکثرا خود آنها از پیغمبر ص تقاضای همسری مینمودند تا در کنار نام پیغمبر افتخار شهرت و نام قومی خود را نگهدارند و زنان بی سرنوشت از قوم خود پیغمبر بودند که پناه گاه و راه دیگر نداشتند. خداوند تعالی برای اینکه بیشتر زنان به اینگونه با پیغمبر خود را پیوست ندهند و جلو آن گرفته شود به رسولش هدایت فرمود تا به همین تعداد زنان که دارد اکتفا نموده بیشتر از آن زن نگیرد. که خداوند خود از احوال و نیات قلبی این زنان و پیغمبرش نیز با خبر بود که بخاطر سرپرستی از آنها بوده و نه بخاطر عشق و هوس. زیرا دوستی و محبت رسول خدا بعد از حضرت خدیجه کبرا، حضرت عایشه صدیقه را بسیار دوست میداشت.

هیچ مرد مسلمان را سراغ کرده نمیتوانیم تا بخاطر زنان بیوه که شوهران را از دست داده، با دو سه اولادش و یا به فقر اقتصادی گرفتار باشند و زنان بی سرنوشت مسن ازدواج کرده باشند، بلکه بیشتر از دواچه بخاطر حسن صورت، یعنی جوانی و زیبایی یک زن صورت میگیرد که برای زن اولی بسیار گران و درد ناک تمام میشود، چون خود مرد درین حالات قرار نمیگیرد تا درد پنهانی و موقف زن را درک کند بجز پروردگارش که همه چیز را میداند که یک طبقه بندگان از کلام خداوند به نفع خود سود جویی کرده و به طبقه دیگر (زن) ظلم و جفا را روا میدارند. باید علما دین اسلام بخاطر جلب رضای پروردگار و نسل های آینده که مورد انتقاد بیشتر جهانیان قرار نگیرند جلو (تعدد زوجیات) را بگیرند.

در کشور هند که زنان مظلوم بعد از فوت شوهر از خانه و زندگی رانده شده در عالم بی سرنوشتی بسر میبرند، دیگران هم به نظر نفرت بسوی آنها نگاه میکنند. ازدواج با همچو زنان بی سرنوشت کار صواب است و نه اینکه با بی عدالتی رو برو گردند که بد تر از گذشته برایشان باشد.

زمانیکه مسیحیت در روم رونق پیدا نمود و کشش ها مردم را نظر به قانون حضرت عیسی به گرفتن یک زن دعوت مینمودند تا فساد و ظلم از میان برداشته شود، ولیکن روسا، حکما و ثروتمندان از کلیسا تقاضا نمودند تا این حکم را از قانون کلیسا حذف نمایند ورنه آنها از مسیحیت خارج خواهند گشت. کشش های کلیسا در برابر آنها مقاومت کرده نتوانستند و آنها را به داشتن چندین زن آزاد گذاشتند..

برعکس در کشور ما زمانیکه قانون اساسی تدوین میگردید این ملاها و قاضی صاحبان بودند که از دولت تقاضا نمودند تا به اساس قانون مدنی (غرب) ازدواج با یک زن را شامل نسازند و قانون تعدد زوجیات به اساس شریعت اسلام باقی بماند. همین بی عدالتی ها در جامعه سبب گردیده تا در زمان مجاهدین تعدد زوجیات رونق بیشتر پیدا کند و کسانی که دالر و کدار داشتند بیشتر به تعدد زوجیات رو میاورند، همچنان در زمان طالبان این ستم در حق زنان به شکل ظالمانه تر به پیش رفت که عبارت از ازدواج های اجباری و عجولانه به زور شمشیر بود که دختران کم سن و سال را به عقد نکاح پیر و جوان میرسانیدند.

خیانت های که در حق زنان در کشور های اسلامی صورت میگیرد در تاریخ بشریت نظیر آن کمتر دیده شده است در کشور پاکستان بخاطر اخذ جهیزیه زنش، آن موجود مظلوم بیگناه را به آتش سوختانده و به قتل میرسانند. دردیگر کشورها غرب افغانان با زن دوم ازدواج مینمایند که نتنها قوانین مدنی آنها را زیر پا میگذارند بلکه بنام اسلام نیز صدمه میرسانند. زعمای دولت که خود را مدافعین اسلام میدانند بیشتر خود به قانون شکنی از احکام دین متهم میباشند که نباید بالای همچو اشخاص اعتماد کرد. کسانی که جفا در حق زن و فرزند خود روا میدارند، هیچگاه درد ملت مظلوم را دوا کرده نمیتوانند. به بهانه اینکه ازدواج دوم حق مسلم مرد مسلمان است حتی دهن غربی ها را نیز بسته نموده اند.

روشنفکران جامعه، علمای دین و دانشمندان باید در برابر ازدواج (بیشتر از یک زن) که نه با شریعت اسلام برابر است و نه با قانون مدنی کشورهای دیگر بایست بخاطر ترس از قهر خداوند در برابر حق مظلوم مبارزه جدی را آغاز نمایند تا مطابق به قانون خداوندی یعنی ازدواج با یک زن با شرایط خاص آن شامل قانون اساسی کشور گردد..

در کشور ایران با ازدواج موقت زنان مظلوم را در دام انداخته، با سرنوشت آنها بازی میشود، البته داستانهای غم انگیز در رابطه با این نوع ازدواجها بسیار است که قلب انسانهای با احساس را زیاد متأثر میسازد.

هرچند این مثال به تکرار ذکر شده، ولیکن بجا خواهد بود تا بگوییم "چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی"

پایان